

هوش استراتژیک و رابطه آن با افزایش خلاقیت کارکنان

عباس بابایی نژاد^۱، رضا مرتضائی*^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین میزان هوش استراتژیک مدیران با افزایش خلاقیت کارکنان در دستگاه‌های اجرایی شهر رفسنجان می‌باشد. این پژوهش با استفاده از مطالعات مقطعی و روش همبستگی در جامعه آماری ۱۳۶۵۰ نفری کارکنان دستگاه‌های اجرایی شهر رفسنجان انجام گردیده است و با توجه به زیاد بودن حجم جامعه آماری اقدام به نمونه‌گیری از طریق فرمول کوکران گردید و تعداد ۳۹۶ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه (هوش استراتژیک و خلاقیت) استفاده شده است که روایی آنها توسط اساتید (راهنما و مشاور) و خبرگان تأیید شده است؛ و پایایی آنها به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۷ سنجیده شده است. تجزیه و تحلیل آماری از طریق آزمون‌های همبستگی پیرسون و اسپیرمن، با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج بدست‌آمده نشان داده‌است که بین هوش استراتژیک مدیران با خلاقیت کارکنان در دستگاه‌های اجرایی شهر رفسنجان رابطه معناداری وجود دارد. بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که بین مؤلفه‌های هوش استراتژیک شامل توانایی آینده‌نگری، توانایی تدوین چشم‌انداز، توانایی تفکر سیستمی، توانایی ایجاد انگیزش و توانایی ایجاد مشارکت با میزان خلاقیت کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. به علاوه مدیران با بکارگیری مؤلفه‌های هوش استراتژیک، موجب بهبود خلاقیت و نوآوری کارکنان شده و همچنین موجب رشد و توسعه سازمان می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: هوش، هوش استراتژیک، خلاقیت، تحول.

نکات برجسته پژوهش:

- بررسی رابطه هوش استراتژیک مدیران و رضایت شغلی کارکنان بصورت متمرکز
- بررسی رابطه دو متغیری که در تحقیقات پیشین بدان‌ها توجهی نشده بود
- تمایز محوری مابین یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین

* reza.mortezae8106@gmail.com.